

پیرامون طرح وضعیت فوق‌العاده

تصویب طرح وضعیت فوق‌العاده از جانب شورای عالی امنیت ملی و اهداف و پیامدهای آن، این روزها به یکی از مسائل مورد بحث جامعه مطبوعات ایران تبدیل شده است. اگر چه سران اصلاح‌طلبان حکومتی از جمله خاتمی رئیس‌جمهور در شورای عالی امنیت با تصویب این طرح مخالفت کرده‌اند اما این طرح به تصویب رسیده است. وزیر دفاع، فرمانده سپاه پاسداران و رئیس ستاد ارتش که از حمایت و پشتیبانی خامنه‌ای و رفسنجانی برخوردارند از مدافعین اعلام وضعیت فوق‌العاده هستند. با اینکه مطابق قانون اساسی اعلام وضعیت فوق‌العاده و نظامی کردن بودجه کشور در صلاحیت و از اختیارات مجلس شورای اسلامی است، اما این شگردها تازگی ندارد، تحقیر و زیر پا نهادن اختیارات "ارگانهای انتخابی" و "ارکان جمهوریت" از جانب محافظه کاران همواره یک نرم عادی در مناسبات و جدال با جناح رقیب بوده است.

این نوع مانورها از جانب محافظه‌کاران پدیده تازه ای نیست، توسل به کودتا و اعلام وضعیت نظامی در تحلیل تحرکات این جناح، در چند سال گذشته همواره بعنوان یک احتمال مطرح بوده است، و تاکنون چندین بار اخبار مربوط به تحرکات و نقشه‌های جناح راست در این زمینه بر سر زبانها افتاده و گاهی در مطبوعات انعکاس یافته است. اینبار جناح راست تهدیدات آمریکا و محور شر خواندن ایران از جانب رئیس‌جمهور این کشور را دستاویزی برای طرح اعلام وضعیت فوق‌العاده قرار داده است.

هدف این طرح مقابله با دشمن خارجی نیست، حتی گمان نمی رود که خود سران جناح محافظه کار هم خطر حمله نظامی آمریکا را جدی گرفته باشند. حداقل اکنون بدنبال اظهارات سناتور جوزف بایدن رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس سنای آمریکا و اعلام آمادگی جهت ملاقات با نمایندگان مجلس ایران، باید برای بسیاری روشن شده باشد که فشارها و تهدیدات هیئت حاکمه آمریکا بیشتر بمنظور تغییر توازن قوا به نفع اصلاح طلبان حکومتی صورت می گیرد تا تدارک یک حمله نظامی.

اما محافظه کاران با بهره گرفتن از فرصتی که پیش آمده است و با عمده کردن خطر حمله دشمن خارجی، با طرح وضعیت فوق‌العاده این هدف را دنبال می کنند که توده های مردم را به پشت صحنه مبارزه سیاسی برگردانند. جناح راست روند اوضاع را به نفع ادامه حاکمیت رژیم اسلامی نمی بیند و از آن بیم دارد که گسترش مبارزات کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر اقشار جامعه

پیروزی بهار!

گل‌های زرد و سفید و آبی، گل زنبق، این طلایه داران پیروزی بهار و روشنی بر تاریکی و انجماد، شکست محتوم زمستان و پیروزی بهار و روز نو طبیعت را نوید میدهند. بزودی اردوی سبز و جانبخش بهار، با لشکری از شقایق و لاله و ارغوان و با سپاهی از بلبل و قناری و مرغان خوش الحان روز نو، زندگانی نو و تلاشی نو را به جشن می نشینند.

نوروز و بهار، نوید بخش استمرار زندگی است. بهار و نوروز بر شما پیروز!
اگر چه پس از گذشت ۲۳ سال، کماکان منادیان

جهل و خرافه، ستمگران حکومت مذهبی این دشمنان قسم خورده بهار و شادمانی، مال و جان و زندگانی ما را به گروگان گرفته‌اند. اگر چه در سایه حکومت سیاه دلان جمهوری اسلامی، شادی، طراوت و زندگی افسانه است و فقر، ناداری، استثمار، بیکاری، فحشا، اعتیاد و مرگ، روالی عادی در زندگانی روزمره میلیونها انسان در این جامعه بلارزده. اما طلایه داران پیروزی ما توده های مردم بر کل حاکمیت اسلامی، یعنی جنش رو به فزونی کارگران و توده‌های تحت ستم، همچون گل‌های زرد و سفید و آبی، همچون گل زنبق از دل تاریکی و جهل و ستم سر برآورده‌اند. باید که دستهایمان را محکم بهم گره زنیم. باید که صفوف مبارزات برحقمان را در تمامی عرصه‌ها فشرده‌تر کنیم و باید از هرپیروزیمان سنگری مستحکم برای پیروزی بعدی بسازیم. تغییر وضع موجود و شکست ستمگران حاکم در ید قدرت ماست و تنها راهی ما آگاهی، اتحاد و یکپارچگی مبارزاتی‌مان.

در روز نو از بهار زندگی ما، شادی بجای غم، آزادی بجای خفقان، رفاه و سعادت بجای فقر و گرسنگی و گل خنده بر لبان کودکان بجای چشم گریان مادران می نشینند. بهار را باور کن، زندگی زیباست.

نوروزتان پیروز!

آیدا



نگاهی اجمالی به مبارزات کارگری در سالی که گذشت!

صفحه ۲



راه حل پایان درگیریهای اسرائیل و فلسطین تنها تشکیل دولت مستقل فلسطین است!

صفحه ۸



تأملی بر جنبش زنان!

صفحه ۵

است، تلاش برای گسترده تر کردن و سراسری کردن این جنبش و ایجاد تشکل توده‌ای کارگران از زمینه‌های عملی بیشتری برخوردار است. تنها با حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه است که می‌توان انرژی و توان دیگر جنبش‌های اجتماعی را بطور مؤثر در خدمت خشی کردن و به شکست کشاندن سیاستها و پروژه‌های بورژوازی و در خدمت دموکراتیزه کردن جامعه بکار گرفت و دستاورد این مبارزات را نهادینه کرد.

صلاح مازوجی



جهان امروز

سیاسی، خبری

سردبیر:

هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

حساب بانکی
جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054

– «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می‌کند که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد.
– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.
– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.
– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴۲ با سایز ۱۶ می‌باشد.

وقایع دلخراش در محل کار

هفت کارگر در یک چاه قنات مدفون شدند

روز ۲۱ اسفند ۱۰ نفر کارگر که مشغول طوقه چینی، حلقه گذاری و بتون ریزی اطراف یک چاه که در مسیر عبور آن از مدخل ورزشگاه در حال ساخت کاشان می‌گذرد، در عمق ۳۰ متری مدفون شدند حال سه نفر از کارگران رو به بهبود است، اما بقیه کارگران که یکی از آنها ایرانی و بقیه کارگر مهاجر افغانی بودند جانشان را از دست دادند.

مرگ کارگران شهرداری بر اثر واژگون شدن خودرو

روز ۲۵ اسفند یک دستگاه خودرو پیکان در بزرگراه شهید بابایی پس از واژگونی، با هفت کارگر شهرداری که مشغول رنگ آمیزی نرده های حفاظ بزرگراه بودند برخورد و سبب مرگ دو تن از آنها و مجروح شدن پنج تن بقیه گردید.

نشریه پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومهله

را می‌توانید با مراجعه به آدرس اینترنتی زیر دریافت کنید.

www.komalah.org

نیست بلکه تشدید فشار بین المللی بر محافظه‌کاران و تضعیف موقعیت آنها را هم در بر دارد. برخلاف آن بخش از اپوزیسیون که هنوز هم با لحنی گلایه آمیز از اصلاح‌طلبان می‌خواهند که برای مقابله با محافظه کاران به جنبش توده ای روی آورند، اصلاح‌طلبان تا زمانی که ابزار کنترل و مهار جنبش های توده ای را در دست نداشته باشند با این آتش بازی نمی‌کنند. علیرغم اینها از آنجا که اصلاح‌طلبان حکومتی روندهای جهانی و منطقه‌ای بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر را و همچنین اوضاع داخلی را به نفع جناح محافظه کار نمی‌بینند عرصه را برای مانورهای خود مناسب تر می‌بینند و در صدد آن هستند که آرایش جدیدی به خود بگیرند. برگزاری نشست مشترک احزاب، سازمانها و جریانات مختلف وابسته به جنبش دوم خرداد و بازنگری نقادانه سیاست ها و عملکردهایشان تلاشی است در این زمینه.

اما تا آنجا که به جنبش لیبرالیستی بورژوازی ایران و جنبش اصلاحات سیاسی این طبقه بر می‌گردد که دامنه آن از دوم خردادی ها و اصلاح‌طلبان حکومتی فرا گیرتر است و لایه های مختلف بورژوازی ایران و بخشهایی از اپوزیسیون را نیز در بر می‌گیرد، ایدها علیرغم افراطی‌گری‌های محافظه کاران و تهدید به اعلام شرایط فوق‌العاده روند اوضاع را بازگشت ناپذیر می‌دانند، اما در عین حال اصلاح‌طلبان حکومتی را فاقد کارایی و صلاحیت لازم برای پیشبرد و به سر انجام رساندن پروژه اصلاحات می‌دانند. اینها با ترساندن اصلاح‌طلبان حکومتی از خطر گریز ناپذیر انقلاب و کاربرد خشونت از جانب توده ها و پرداخت تلفات سنگین‌تر در صورت عدم پیشرفت جنبش اصلاحات آنها را به ایستادگی و قاطعیت در مقابل افراطی‌گری‌های محافظه‌کاران دعوت می‌کنند و به امید اینکه در "انتخابات" های بعدی بتوانند نمایندگان و چهره های "چپتری" را به قدرت برسانند، دندان روی جگر گذاشته و تلفات و فرصت های از دست رفته را شماره گذاری می‌کنند.

برای تحقق مطالبات اقتصادی، در شرایطی که رژیم، حداقل در کوتاه مدت توانائی پاسخگویی به این مطالبات را ندارد، به خیزش‌های توده‌ای منجر شود. جناح راست در همان حال بی‌کفایتی اصلاح‌طلبان حکومتی را در به کنترل در آوردن اعتراضات توده‌ای و جنبش های اجتماعی تجربه کرده است، از این روست که می‌خواهند خود مستقیماً وارد عمل شوند و با حاکم کردن شرایط جنگی، به بند کشیدن فعالین سیاسی، و تشدید فضای سرکوب و خفقان جلو این روند را بگیرند.

از طرف دیگر محافظه‌کاران نه تنها سیاست ها و برنامه های اصلاح‌طلبان حکومتی را برای مقابله با وضع موجود کارساز نمی‌دانند بلکه تشدید وخامت اوضاع را از چشم آنها می‌بینند و از آنجا که مانور دادن در چهارچوب قوانین ارتجاعی موجود را برای مقابله با آنها کافی نمی‌دانند، با اعلام وضعیت فوق‌العاده می‌خواهند آنها را فلج ساخته و به تسلیم کامل وادارند و خود ابتکار عمل کامل را به دست بگیرند. و آنگاه که بر اوضاع تسلط یافتند بشیوه‌ای کنترل شده، اصلاحات به روایت خودشان "اصلاحات اسلامی" را به اجرا در آورند. اما محافظه‌کاران علیرغم تمام نقشه هایی که در سر می‌پروراند هنوز هم از اعلام رسمی وضعیت فوق‌العاده بیم دارند و برای همین است که فعلاً بطور غیر رسمی خبر تصویب این طرح را پخش کرده اند، جنبه های عملی و اجرائی آن را مسکوت گذاشته اند تا با نظرسنجی در مورد آن از پیش از عکس‌العمل توده های مردم اطلاع یابند. از روند اوضاع چنان بر می‌آید که فعلاً از اعلام رسمی آن و روشن کردن جنبه های اجرائی آن خودداری کنند و تا اطلاع ثانوی آن را به بایگانی بسپارند. اصلاح‌طلبان حکومتی هم با آگاهی از نقشه های جناح راست می‌خواهند با توسل به مانورهای دیپلماتیک تلاشهای آنها را خشی کنند، سفرهای خاتمی به اتریش و یونان و ملاقات با خاورسولانا رئیس کمیسیون خارجی اتحادیه اروپا تنها بمنظور جلب حمایت آنها و مقابله با سیاست آمریکا

علی احمدی

نگاهی اجمالی به مبارزات کارگری در سالی که گذشت!

سرمایه های خارجی باز کند و از طرفی دیگر مشکلات ارگانهای دولتی را به حداقل برساند، موفقیتی برایشان حاصل نکرد. تمایل سرمایه های خارجی به سرمایه گذاری در ایران کماکان ضعیف است. واحدها و شرکتهای تولیدی که به بخش خصوصی واگذار شده بودند، موفق به رفع مشکلاتشان نشدند و در موارد زیادی ورشکست و منحل شدند، امری که متأسفانه بهایش را کارگران با قربانی شدنشان در موج بیکارسازیها، پرداخت کردند.

موارد بالا و در همان حال بحرانهای سیاسی و اقتصادی سرمایه جهانی، پایین آمدن قیمت نفت به پایین سطح خود طی ۶۰ سال اخیر بر مشکلات اقتصادی ایران افزود و متعاقباً منجر به خالی تر شدن جیب میلیونها کارگر و زحمتکش ایرانی شد. در چنین شرایط اقتصادی است که کاسه صبر توده های ستم دیده لبریز می شود و ما شاهد صدها اعتراض کارگری و توده های در سطح جامعه هستیم.

کارگران و توده های زحمتکش در سال ۸۰ به میزان قابل توجهی بر این بستر به میدان آمده و خواست های خود برای بهبود شرایط کار و رسیدن به حقوق خود اعلام داشتند. آنها مبارزه و اعتراض را به اشکال مختلف، از جمله با اعتصاب، تظاهرات، سد کردن جاده ها، به آتش کشیدن لاستیک، نوشتن قطعنامه تا طومار به روزنامه های علنی و مجلس و ... نشان دادند.

اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه جزو پایه ای ترین و اصلی ترین خواست کارگران در سال ۸۰ بود. این خواست غالباً حتی در مواردی که اعتراض به اخراج کارگران و بیکار سازی و یا مسائلی دیگر نیز بوده، یکی از نکات اصلی در مبارزات کارگران بوده است. دولت و صاحبکاران طبق معمول کوشش و شگردهای خود را بکار بستند که با عدم پرداخت قسمتی از حقوق کارگران، آنان را مجبور به تن دادن به بخشی از انتظارات خود کنند.

سال ۸۰-۸۱ را می توان سال اعتراضات عظیم کارگری نامید به این دلیل که فقط در عرض این سال بیش از ۵۰۰ مبارزه و اعتراض کارگری در گوشه های مختلف ایران از شمال تا جنوب، از غرب تا شرق و از مراکز بزرگ صنعتی تا واحدهای کوچک، سرتیتر روزنامه ها و اخبار رسانه های قانونی حکومتی را پر کرده بودند. (امری که البته بخشا با غیر قابل چشم پوشی کردن این اعتراضات بدلیل وسعت آنها از طرف این نشریات و از طرف دیگر با اهداف جناحی درون رژیم بر علیه جناح دیگر قابل توضیح است).

زمینه و بستر این مبارزات در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی بعد از ۲۳ سال از عمر خود هنوز در بحران اقتصادی عمیق بسر می برد. این بحران در طول دو دوره از حیات ریاست جمهوری خاتمی نیز، نه تنها نتوانسته شرایط کار و زندگی کارگران در محیط کار و وضع خانواده های کارگری در سطح جامعه را بهتر کند، بلکه به عمیقتر شدن این کمبودها انجامیده و فاصله های طبقاتی را شدت بخشیده است. اگر سیاست دولت رفسنجانی فعال بودن در بحرانهای منطقه ای جهت به انحراف کشیدن اذهان عمومی جامعه و دادن نقش به جمهوری اسلامی در این بحرانه بود، دولت خاتمی کوشش کرد با بازی کردن نقش لیبرال و پیش کشیدن اصلاحات در مقابل حرکت های کارگری و توده های ایستادگی کند و سعی داشت به این شکل نظام را از بحران موجود نجات دهد. هر چند در اوایل جبهه دوم خرداد توانست جمعی از جریانات و سازمانهایی که امید به اصلاح رژیم داشتند را به دنبال خود بکشد اما این "امید" حتی در میان همان گروهها نیز دوام نیاورد و چهره واقعی دوم خرداها پیش از پیش آشکارتر شد.

اقدام رژیم برای خصوصی سازی مراکز و واحدهای تولیدی تا بدینوسیله از طرفی راه را برای سرمایه گذاری

اخبار مبارزات کارگری

کارگران کفش شادان پور هنوز به حقوق خود نرسیده اند!



روز ۱۵ اسفند حدود ۵۰۰ نفر از کارگران کفش شادان پور در جاده قدیم تهران کرج با بستن راه باعث توقف حرکت وسایل نقلیه در این مسیر شدند. کارگران با آتش زدن لاستیک و تجمع خود مانع رفت آمد خودروها شدند. آنها اعتراض خود را به عدم پرداخت حقوق معوقه یکساله خود از طرف کارفرما اعلام کردند.

تجمع کارگران کارخانه جهان چیت

روز ۱۵ اسفند ۹۰۰ نفر از کارگران جهان چیت به اعتراض به عدم پرداخت حقوق پرداخت نشده خود از آذر ماه تاکنون اصلی ترین جاده کرج را مسدود کردند. نماینده کارگران ابراز داشت که علیرغم افزایش تولید کارخانه از آذر ماه تاکنون، تعداد کارگران کارخانه از ۲۳۰۰ نفر به ۱۴۰۰ نفر تنزل یافته است.

کارگران فوکا صنعت، جاده همدان کرمانشاه را

بستند

روز ۱۷ اسفند ۷۰ تن از کارگران فوکا صنعت - که تولید کننده انواع بخاری است و تعداد ۱۲۰ کارگر در آنجا مشغول به کار است - تجمع و بمدت نیم ساعت جاده همدان کرمانشاه را مسدود کرده و اعتراض خود را به عدم حقوق معوقه خود به نمایش گذاشتند این اعتراض منجر به ترافیک سنگین شد و مسافران این مسیر از شرایط نابسامان کارگران اطلاع یافتند.

واحدهای مختلف شهر صنعتی البرز قزوین دست به

تحصن زدند

روز ۲۰ اسفند کارگران واحدهای مختلف شهر صنعتی البرز در اعتراض به حداقل حقوق خود که تنها ۸۰ هزار تومان تعیین شده است، تحصن کردند. در این تحصن تشکل مستقل کارگران با درخواست ۱۲۶ هزار تومان در مقابل ۹۲ هزار تومان نمایندگان دولتی کارگری، اعلام کردند که در ماههای آینده اعتراضات خود را افزایش خواهند داد.

هزاران تن از کارگران مازندران ماهاست حقوق

نگرفته اند!

بیش از ۴ هزار کارگر کارخانه های نساجی مازندران، چیت سازی بهشهر، تخته سه لایی رجائی چوکا و تعدادی دیگر بین ۳ تا ۲۴ ماه است موفق به دریافت حقوق خود نشده اند. علت این امر سومدیریت و فرسودگی ابزار تولید که واحدهای نساجی در سال ۸۰ اقدام به اخراج ۴۰۰ کارگر خود کردند و چوکا در سال جاری ۳۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است.

کارگران برق لامع تبریز دست از کار کشیدند

روز ۲۰ اسفند کارگران کارخانه حوله «برق لامع» در اعتراض به پائین بودن حقوق خود دست از کار کشیدند. کارگران اعلام کردند که حدود ۳ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده اند و از پادش و عیدی هیچ خبری نیست.

تجمع کارگران رحیمزاده اصفهان

روز ۲۶ اسفند کارگران کارخانه بافندگی و ریسندگی رحیم زاده اصفهان خواهان پرداخت حقوق معوقه چند ماهه گذشته خود، تصویب و اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و اصلاح سیستم حقوقی و دستمزد به میزان هزینه های عمومی یک خانواده شدند.

گوشه‌هایی از مبارزات کارگران در سراسر جهان

گردآوری و ترجمه: حسین دباغیان

دست به ایجاد اتحادیه زده و در قالب آن متشکل شده‌اند.

به دنبال اقدامات اعتراضی شدید کارگران منطقه نفتی «داکینگ»، کارگران مناطق نفتی «زین جیانگ»، «شنگلی» و «لیائو» حمایت و همدردی خود را از راههای گوناگون و از جمله برگزاری اعتصاب، تحصن و راهپیمایی اعتراضی ابراز داشتند.

اندونزی: اعتصاب کارگران علیه فساد مدیریت کارخانه

روز پنجم مارس، به دنبال دست از کار کشیدن بیش از هزار نفر از کارگران کارخانه هواپیماسازی «پی‌تی دیرگانتارا اندونسیا»، واقع در «جاوای غربی»، مدیریت کارخانه مذکور ادامه کاری دو نفر از اعضای اجرایی اتحادیه کارگران را به حالت تعلیق درآورد.

مقامات اتحادیه کارگران این کارخانه مدعی هستند که مدیریت با هرگونه نشست مشترک و یا مذاکره‌ای با آنها درباره تحقیق و بررسی فساد مالی و اختلاسهای مدیریت کارخانه مخالفت نموده است. به گفته یکی از

سخنگویان اتحادیه، در سال ۱۹۹۹ یک فقره دزدی هنگفت به مبلغ چهارصد هزار دلار و در سال ۱۹۹۸ ناپدید شدن موتورهای مدل 212-NC 18 به ارزش چهارصد هزار دلار روی داد که مدیریت هرگونه پیشنهاد اتحادیه را برای بررسی این دزدیها رد نموده است.

سریلانکا: تحصن کارگران برای کسب امنیت کاری

روز ششم مارس بیش از ۲۰۰ کارگر کارخانه چای‌سازی «بروکبوند و لیپتون» در «مابول» در مقابل ساختمان وزارت کار در «کولومبو»، علیه طرح مدیریت برای تعطیلی کارخانه دست به تحصن زدند. این کارخانه که یکی از شعبات فرعی کمپانی «یونی لور» می‌باشد، از وزارت کار درخواست نموده است که اجازه تعطیل نمودن این کارخانه را صادر کند، به این بهانه که کارخانه بر روی خط ضرر سیرمی‌کند. کارگران این ادعای مدیریت مبنی بر متضرر شدن کارخانه را رد نموده و معتقدند که این بهانه در واقع

چین: ناآرامی در منطقه نفتی

دهها هزار نفر از کارگران اخراج شده منطقه نفتی «داکینگ» در شمال شرقی استان «هیلائنگ جیانگ»، در اعتراض به کاهش تسهیلات رفاهی و مقرری‌های مالی خود، از روز اول مارس دست به ابراز ناراضی‌های شدیدی زده اند. این موج ناراضی‌های شدید به دنبال نقض توافق حاصل شده میان این کارگران و کمپانی نفت آغاز گردید و شدت گرفت. روز اول مارس، ساختمانهای اداری کمپانی مذکور توسط بیش از ۳۰۰۰ کارگر سنگباران شد. از روز چهارم تا ششم مارس، بیش از ۵۰۰۰۰ کارگر در بیرون ساختمانهای اداری این کمپانی دست به تحصن زدند. مقامات محلی برای مقابله با اعتراضات این کارگران خشمگین، وضعیت شبه نظامی برقرار کرده و یک هنگ زرهی را به محل حادثه فرستاد. کارگران معترض برای تعقیب موثر خواسته هایشان، بلافاصله می شود.

همزمان بجاست که روی این کاستی انگشت گذاشت که این مبارزات بدلیل خفقان حاکم بر جامعه و عدم حضور تشکلهای سیاسی کارگری غالباً بر پایه خواسته های صنفی استوار است و بجز مواردی معدود که به مسائل سیاسی و اجتماعی تسری یافته متاسفانه کمتر به بانیان بی حقوقیها یعنی نظام سرمایه داری در ایران که عامل تنگدستی و فقر و بیکاری و شرایط نامناسب زندگی کارگران است، معطوف گردیده است. ضعف دیگر این مبارزات مقطعی و موردی بودن آنها بوده است برای نمونه اعتراض کارگران علاالدین، ایران پویا، پالایشگاه آبادان، ترانسفورماتور و تعداد دیگری از واحدهای صنعتی فقط به یک و یا دو مورد، خلاصه شده است.

سال جدید را با گرامیداشت و درود برصدها جانباخته قربانگاه شرایط ناامن کار در ایران و به امید گسترش و رشد کمی و کیفی و فایق آمدن بیشتر بر ضعف و کمبودهای این مبارزات آغاز می کنیم.

برزیل: اعتصاب کارگران ترابری

روز چهارم مارس، کارگران ترابری در شهر «کامپیناس» که یکی از بزرگترین شهرهای «سائوپائولو» میباشد، دست به اعتصاب زدند. تصمیم کارگران برای اعتصاب در مجمعی وسیع و با شرکت رانندگان و فروشندگان بلیط، قطعیت یافت. این کارگران خواهان افزایش ۶۴ درصدی دستمزدهای خود هستند.

اسرائیل: اعتراض کارگران کمپانی پوشاک

صدها نفر از کارگران کمپانی پوشاک «باگیر» در اوایل ماه مارس، با تحصن در مقابل برجهای اداری کمپانی مذکور اعتراض خویش را علیه اخراج کارگران ابراز داشتند. مدیریت کمپانی تصمیم گرفته است که ۷۵۰ نفر از کارگران این کمپانی را اخراج نماید و

۸۰ کارگران خباز سقز بود که توانست مقامات رژیم و صاحبکاران را به عقب بنشانند و حوزه مبارزات خودشان را از مرزهای محلی و صنفی به سطح سراسری و دیگر رشتههای تولیدی فراتر برند.

نکته قابل ذکر حضور وسیع زنان در مبارزات کارگری سال ۸۰ بود. نمونه بارز آن حضور کارگران نساج زن بود که در سطح بالای در صنعت نساجی به کار مشغولند.

نکته مهم و قابل توجه دیگر در مبارزات کارگری در ایران این است که بعنوان مثال مبارزات و اعتراضاتی همچون مبارزات کارگران کفش شادان پور، چیت ری، نساجی بارش اصفهان و یا پشتیبانی گسترده از خبازان سقز ... را ما در جامعه‌های شاهد هستیم که در آن کارگران بنابه شرایط سیاسی حکومت سرمایه‌داری در ایران، از پایه‌ای‌ترین حقوق خود از جمله تشکیل ارگانهای کارگری، حق اعتصاب و تجمع، نشر و جراید کارگری محرومند و مبارزاتشان با دستگیری و زندانی کردن رهبران کارگری و سرکوب مواجه

همچنانکه انتظار می‌رفت شهرهای بزرگ و صنعتی، مراکز مبارزات کارگری بود از جمله اصفهان، تهران، شیراز، ری جزو شهرهایی بودند که متناوباً شاهد اعتراضات کارگری در آن بودیم. در سال ۸۰ شرکتها و مراکز بافندگی و نساجی در صدر وسیعترین مبارزات کارگری قرار داشتند از جمله کارگران بافباز اصفهان با بیش از ۱۰ مورد اعتصاب، مسدود کردن جاده‌ها، همیاری و پشتیبانی و اعتراض مشترک با دیگر واحدهای کارگری داشتند. چیت ری بیشتر از ۵ مورد و بارش اصفهان ۷ مورد بافندگی کاشان ۳ مورد، چیت بهشهر ۲ مورد و در همان حال واحدهای کوچک دیگر در شهرهای دیگر همگام با هم طبقه هایشان در این اعتراضات شرکت کردند. کارخانه های کفش و پلاستیک و راه و ساختمان و مراکز تولیدی صنعتی، پالایشگاه نفت، زغال سنگ نیز به شرایط نامناسب کار، پائین بودن سطح دستمزد، دست به اعتراض زدند. از جمله مبارزات موفق در سال

تاملی بر جنبش زنان!

۱- نگاهی عمومی

بویژه از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ آزمایانی که دیوارهای جوامع فئودالی بشدت در حال فروپاشی و روند بی برگشت زوال و امحاء مناسبات تولید فئودالی آغاز گشته بود و بنیادهای نظام جدید در بخش وسیعی از پهنه گیتی در حال نضج و گسترش بودند، مسئله زنان و حضورشان در جامعه نوین و مناسبات تولیدی آن و نقش و جایگاه اجتماعی شان به موضوعی جدی و قابل توجه و البته گاهی هم تبدیل شد که تا کنون همچنان ادامه دارد.

اگر چه الزامات مناسبات سرمایه‌داری از سویی حضور زنان در عرصه های اقتصادی - بعنوان نیروی کار ارزان و کار روزمزدی - برای رونق بخشی نیاز سرمایه داری را طلب میکرد و اندک اندک درهای محیط کار را بروی آنان میگشود، اما از سویی دیگر اندیشه های ارتجاعی روبنای نظام قبلی، که اکنون در سیستم جدید نوعی دیگر فعال مایه‌اش شده بود با گسترانیدن دایره فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی و کاربرد توانمندیهای آنان در بازسازی جامعه

→ نقشه‌ای است برای واگذاری تولید کارخانه به شرکتهای خارجی به منظور پایین آوردن مخارج. در صورت صدور اجازه تعطیلی توسط وزارت کار، بیش از ۵۵۰ نفر بیکار خواهند شد.

پرو: شروع اعتصابات سراسری

روز هفتم مارس بیش از ۵ هزار نفر از کارگران بناسازی مبادرت به بلوکه کردن خیابانهای «لیما» نموده و به این ترتیب، جرقه های شروع اعتصابات سراسری توسط بیش از ۱۰۰۰۰۰ کارگر بناسازی زده شد. کارگران معترض خواهان موافقت مدیریت بناسازی پرو به ماکره با کارگران برای عقد قراردادها هستند. این اعتصاب بیش از ۹۰ درصد از پروژه‌های ساختمان سازی پرو را فلج نموده است. ■

ناصر امین نژاد

زنان آن جامعه مورد آزار و تبعیض جنسی قرار دارند، نمیتوان جامعه‌ای را آزاد و رها دانست در حالی که نیمی از پیکره آن جامعه خود اسیر و در رنج است. بر همین مبنا مسئله زن و جنبش زنان بطور تنگاتنگی با دموکراتیسم انقلابی و اجتماعی در ارتباط است و دقیقاً از الزامات و پایه های ضروری آن بشمار میرود و حتی پیروزی نهائی و قطعی آن در گرو پیروزی نهائی و قطعی دموکراتیسم انقلابی است.

با تکیه بر همین واقعیت‌های انکار ناپذیر است که مسئله زن و جنبش زنان از همان ابتدا مورد حمایت، توجه و تدقیق جنبش کمونیستی و مارکسیسم بطور اخص قرار گرفته است. مارکسیستها این جنبش حق طلبانه را شریک بلافصل خود در بنای جامعه سوسیالیستی میدانند. لنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی را بدون شرکت فعال و همه جانبه آن نیمه دیگر جامعه، یعنی زنان ممکن و میسر نمی دانست. ایدئولوگهای مارکسیست در تدوین و تشریح علل و انگیزه های پیدایش جنبش زنان و سر منشأ استعمار آنان هم در عرصه تئوریک و هم به لحاظ سیاسی بیشترین تلاشها و جامعترین تبیینات و توضیحات عملی را ارائه داده اند. اینان پیگیرترین و پایدارترین مدافعان سرسخت جنبش واقعی زنان بوده اند. به همت و تلاشهای همه جانبه آنان جنبش زنان تاکنون توانسته است به دستاوردهای قابل توجهی نائل آید. این تاثیرات انکار ناپذیر تا بدان حد است که ایدئولوگهای بورژوازی راه گریزی برای انکار و تخطئه آن نمی یابند و سخن گزافی نیست اگر گفته شود که جنبش واقعی زنان از بطن جنبش کمونیستی سر برآورده است و با طلوع آن خورشید رهانی را لمس خواهد کرد.

«کلارزتکین» از بنیانگذاران جنبش انقلابی زنان، خود از رهبران برجسته جنبش کمونیستی آلمان و اترناسیونال دوم بود. به همت و تلاشهای پیگیرانه

وی و هم قطارانش روز ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن شناخته شد، این خود تاثیر بسزائی در شناساندن موضوع زن و جایگاه آن در سازماندهی سیستم اجتماعی و طرح مسئله ستم جنسی، نابرابری و تبعیضی که به نسبت آنان روا می‌رود، داشته است و دارد.

روز ۸ مارس روز یادمان و سالروز به گلوله بستن کارگران زن آمریکائی در سال ۱۸۷۵ بود که برای احقاق حقوق و طرح مطالبات خود به میدان آمده بودند. اینان تنها به همین خاطر از سوی پاسداران سرمایه به خاک و خون غلطیده شدند. اما تاثیر این روز و نقش بلامنازع کمونیستها در حرکت درآوردن و به میدان کشاندن موج عظیم جنبش زنان همچنان تا به امروز ادامه دارد.

جنبش زنان در طی این ۹ دهه گذشته و در سایه از خودگذشتگی و حضور یکپارچه زنان و بالارفتن سطح خودآگاهی عمومی درون جنبش بسیار بالنده و پیش رونده خاکریزهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. این جنبش حق طلبانه با وجود کاستیها، پراکندگیها و علیرغم تلاشهای بی وقفه ای که از سوی نظام بورژوازی برای به انحراف کشاندن و محدودکردن افقهای آن و به اصطلاح غیر سیاسی کردن مطالبات و خواسته‌هایشان صورت میگیرد، باز هم روند این جنبش بالنده و رو به رشد و لگام ناشدنی همچنان به پیش می‌رود و توانسته است علیرغم همه این دست اندازها دستاوردهای بزرگی را در بخش وسیعی از جهان کسب کند که به‌چوچه با دهه های ماقبل خود قابل قیاس و ارزیابی نیست.

حق کار، حقوق یکسان در مقابل کار یکسان، حق رأی، حق مرخصیهای دوران بارداری، امنیت شغلی و آزادیهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از جمله حقوقی هستند که در برخی از کشورهای غربی بطور نسبی بدست آمده است. حقوقی که زنان نیمه اول قرن ۲۱ و حتی بخشهای وسیعی از همین دنیای امروز و بویژه کشورهای عقب مانده و اسلامی به خواب هم ندیده اند. این تنها به مدد فعالیتهای سازمان یافته و

حضور یکپارچه خود زنان به



تأملی بر جنبش زنان!

درحۀ اولی و پشتیبانی همه جانبه نیروهای کمونیست و ترقیخواه جامعه ممکن شده است. البته از این نمونه ذکر شده نباید این درک متبادر شود که زنان این جوامع به حقوق خود دست یافته اند. تصادفاً اینان هنوز با مشکلات عدیده ای در تمام عرصه های فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو هستند. هنوز جلوه های آشکاری از تبعیض و ستم جنسی بر جامعه مستولی است، هنوز هم ممانعتها و محدودیتهای آشکار و گاهی پنهان بر سر راه زنان قرار دارد که از شکوفا شدن توانمندیهای آنان میکاهد. در این جوامع کالائی شدن جنس زن و تبلیغات گیج کننده و هیستریک در این زمینه ضربات بسیاری را بر هویت و شخصیت واقعی زن وارد کرده است. اینجا هم جنبش زنان دوش به دوش جنبش عدالتخواهانه عمومی و بمثابة بخش جدائی ناپذیر آن برای بهبود شرایط زندگی و دگرگون ساختن بنیادین شالوده های نظام سرمایه داری در تلاش است و تمام ابزارها و امکانات بدست آمده تا کنونی را برای نیل به پیروزیهای هر چه بیشتر و محو ستم

و تبعیض جنسی و زدودن اندیشه های ارتجاعی بکار میبرد. نکته قابل توجه اینکه جنبش زنان نیز بمانند هر جنبش اجتماعی دیگر خصلت نمای طبقاتی خود را داراست. این جنبش پای در زمین واقعی دارد و نمی توان ارادی آن را به آسمانها کشید و آنطور که ایدئولوگهای بورژوائی میطلبند و خواستار هستند نمیتوان دلخواه دردها و علل پیدایش این پدیده را در حوزه های ذهنی گرایانه «اخلاقی» و آموزه های روانشناسانه جستجو کرد. تمامی این نابسامانیها، ستم و استثمار و از جمله ستم جنسی ریشه در سیستم ناعادلانه اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری و بنیادهای فکری آن دارد که با ملغمه ای از اندیشه های مذهبی و ارتجاعی پدرسالارانه آغشته است. و تنها با دگرگون سازی بنیادین این سیستم توزیع و تولید میتوان ریشه های این ستم و نابرابریها را زد و آنطور که گفتنی است آنگاه تاریخ واقعی جامعه و بشر آغاز خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه؛ اگرچه درست است که زنان بطور عام در

بستره روابط اجتماعی، همسان در منگنه افکار تاریک اندیشانه قرون وسطائی و عقب مانده قرار دارند و زیر تیغ تبعیض جنسی قرار گرفته اند و از این منظر از درد مشترکی مینالند و در متلاشی شدن آن و به پس رانده شدنش دینفعند، اما بخش وسیعی از همین جامعه زنان یعنی زنان طبقات پائینی و لایه های زیرین که اکثریت جمعیت را هم تشکیل میدهند، علاوه بر تبعیضات جنسی از ستم مضاعفی هم مینالند که برای زنان طبقات مرفه و دارا ناآشناست. طبیعتاً زنان خانواده های کارگری و لایه های مختلف زحمتکشان جامعه، زنانی که کودکان تحت تکفل خود را نمیتوانند سیر کنند، زنانی که زیر سقف کارگاه عرق میریزند و استثمار میشوند و هنوز نمیتوانند نان بخور و نمیری را تهیه کنند و زنانی که از زور فقر و ناداری به تن فروشی ناچار میشوند از زخم دردی بسیار عمیقتر در رنجند که مثلاً با لغو «پوشش اجباری» و «اجازه دوچرخه سواری برای زنان» التیام نییابد. و این در گرو تغییر بنیادی پایه های اقتصادی اجتماعی جامعه است و از ماحصل جامعه ای عادلانه میتوان انتظار داشت که این زخمهای عمیق و کاری را

مرهمی باشد. بهمین روی در دل جنبش زنان میتوان گرایشات و نقطه نظرات متفاوتی را دید، که خود بازتاب عینی همین تعلقات و نگرشهای طبقاتی است که در بطن عمل میکند و خود را نشان میدهد و با همدیگر دست و پنجه نرم میکنند.

سیستم بورژوازی حاکم با تمام امکانات و ابزارهای دولتی و تبلیغاتی و مکانیزمهای مرئی و نامرئی سعی در به انحراف کشانیدن این جنبش و غیر سیاسی کردن مطالبات آن را دارد. گاهی میبینیم که به نوعی «فمینیسم» گویا برابری طلبانه با مردان دامن زده میشود که مصنوعاً زنان را در مقابله با مردان قرار میدهد. و مردان را بطور عام بعنوان ریشه تباهیها جلوه گر میسازد، بدون آنکه به ریشه های ستم جنسی پرداخته شود. باید به این معضل آگاهانه و روشنگرانه برخورد کرد، چرا که میتواند توان بسیاری از این جنبش را به هز بکشاند و ابقای ستم جنسی را پروامتر سازد و میتواند علل واقعی ستم و تبعیض جنسی و سر منشأ این فلاکت جامعه انسانی را در سایه نگه بدارد و آب را به آسیاب دشمن سرازیر کند.

ادامه دارد

اعتراضهای توده ای بر علیه رژیم در شهرهای کردستان به بهانه چهارشنبه سوری

اما پس از اندکی مامورین انتظامی در محل حاضر شدند و با نور چراغ ماشینهای خود دنبال افرادی که آتش روشن کرده بودند می گشتند. اما به هیچ کسی دسترسی پیدا نکردند.... در میدان هملو نیز در همان روز با وجود کنترل شدید امنیتی و علیرغم مخالفت های مامورین نیروی انتظامی با آتش بازی و ترقه، جوانان مراسم چهارشنبه سوری خویش را هرچه با شکوهرت برگزار نمودند. رژیم قبلاً اعلام کرده بود که همراه داشتن ترقه مواد آتشزا جرمیمه و زندان به دنبال خواهد داشت. در این رابطه تعدادی از جوانان را دستگیر و جرمیمه کردند. مسئولین مدارس نیز دانش آموزان را تهدید نموده اند که اگر دست به پرتاب ترقه و یا آتش بازی و برپائی جشن و شادی بزنند، چون با محرم و مراسم عزاداری مصادف است، از مدرسه اخراج خواهند شد.

خاصی به محل بخشیده بود. در جریان مراسم جوانان آتش عظیمی روشن کرده بودند و چوبهای را که یک سر آن با پارچه و نخ بسته شده و آغشته به نفت بود بصورت مشعل درآوردند و هزار چندگاهی با نظم و ترتیب خاصی گروه رقص آن چوبها را بر می داشتند و یک دور با آن می رقصیدند و بعداً آن را در روی آتش قرار میدادند. گروه موسیقی با نواختن آهنگهای شاد کردی مردم را به وجد و شادی آورده بودند. در طول برنامه مرتباً شمار بیشتری از مردم به جمعیت حاضر اضافه میشد. این مراسم تا ساعت ۱۵/۱۰ دقیقه شب ادامه داشت.

ساعت هفت شب نیز در تپه پائین تر از کوه "جاقل" آتش روشن کرده بودند.

انتظامی نتواند بیش از آن پافشاری نمایند جوانان و مردم مبارز سقزیا هورا کشیدن و اعتراض نیروی انتظامی رژیم را هو کردند و آنان ناکزیر آنجا را ترک نمودند. اما در مدت برگزاری مراسم ماشینهای اداره اطلاعات رژیم مرتباً در حال رفت و آمد بودند و مردم و جوانان را زیر نظر داشتند. گرچه رژیم قبلاً اعلام کرده بود که بخاطر همزمانی ماه محرم و عزاداری کسی حق ندارد به جشن و شادی بپردازد، اما در مقابله با آنان مردم سعی داشتند مراسم را هرچه با شکوهرت برگزار نمایند.

مراسم با استقرار گروه موسیقی شروع شد. جوانان با پوشیدن لباس شیک و مرتب و با نظم بسیار خاصی شروع به رقص و پایکوبی کردند که جلوه

دفتر نمایندگی کومه له طی اطلاعیه های خبری از تبدیل مراسم های چهارشنبه سوری در شهرهای سقز و سردشت به مجالی برای ابزار اعتراض توده های مردم خبر داد. در زیر توجه خوانندگان را به قسمت هایی از این اطلاعیه های خبری جلب می کنیم: « روز سه شنبه ۲۲/۱۲/۱۳۸۰ هزاران نفر از مردم مبارز سقز بویژه جوانان از ساعت ۸ تا ۱۰/۳۰ شب به مناسبت چهارشنبه سوری و فرارسیدن سال نو، در محله "سنگ بران" شهرستان سقز مراسم جشن و سروربا برپا نمودند. نیروی انتظامی (پلیس ۱۱۰) در محل حاضر شد و با تجمع مردم مخالفت نموده و سعی داشتند مردم را پراکنده نمایند. اما عزم راسخ جوانان باعث شد که نیروی



⇒ راه حل پایان درگیریهای اسرائیل و...

جنگ به ظاهر ضد تروریستی آمریکا و میلیتاریزم افسار گسیخته و عریضه‌کشی آشکار بوش در جهان امروز است. کشتار آشکار و بیرحمانه فلسطینی‌ها توسط ارتش اسرائیل به بهانه مبارزه با تروریسم و گروههای تروریست اسلامی توسط آمریکا و متحدینش توجیه و جواز چنین جنایتی صادر میشود.

آمریکا و متحدینش از لحاظ مالی و نظامی و دیپلماتیک اسرائیل را مورد حمایت همه جانبه قرار داده اند. سازمان ملل و دبیر کل آن جریانی خنثی و بی خاصیت و در عرصه مسائل جهانی عملاً به زانده آمریکا و ناتو تبدیل شده اند و سکوت و چشم بستن آنها این همه جنایت، ناشی از بی کفایتی و بی قدرتی آنها است. عملیات تروریستی و فاجعه ۱۱ سپتامبر، آن نعمت خدادادی بود که بر بوش و محفل نظامی و دست راستی همکارش در کاخ سفید نازل شد تا آشکارا و علنی جهان را فرقه کنند و «جنگ صلیبی» شان را علیه جهان جار بزنند تا جنایتکاری همچون شارون بتواند در سایه آنها فاشیسم و نسل کشی را

بدون دغدغه خاطر به پیش ببرد. کسانی که جنایت ۱۱ سپتامبر را انجام داده و از آن ابراز لذت و خوشحالی کردند، فرزندان و بزرگ شده دست آمریکا و سازمان جاسوسی آن (سیا) بودند که چنین وانمودند که اقدام آنها در حمایت از مردم فلسطین و انتقام خون آنها بود. اکنون به وضوح می بینیم که دود و آتش برخاسته از بنای دوقلوی سازمان تجارت جهانی در آمریکا، آشکار به چشم جنبش آزادیخواه و حق طلب در جهان و پیشاپیش همه مردم بی گناه فلسطین می رود و جریانات بنیادگرای مذهبی چه فلسطینی، چه خارجی و چه دولتهای حامی آنها از جمله جمهوری اسلامی ایران از این وضعیت سود برده و آنان نه حامیان مردم فلسطین بلکه دشمنان آنها و آتش بیار معرکه بوده و هستند.

از سوی دیگر، امروز آشکارا عدم کارایی و بی خاصیتی خودمختاری که مورد فلسطین آن، تحت نظارت آمریکا و سازمان ملل انجام گرفت، مشاهده میشود. در سیستمی که ارتش، بودجه و امورات مالی، سیاستهای کلان از جمله امور خارجه، توسط

حکومت مرکزی یا دولت سرکوبگر سابق اداره میشود با کوچکترین تنش، وضعیت مشابه حکومت خودمختار فلسطین بوجود می آید که نه تنها آن ملت کماکان در انقیاد باقی میماند بلکه رئیس جمهورش نیز که از حمایت بین المللی برخوردار بود حق رفت و آمد بعنوان یک شهروند عادی، در منطقه خودمختار را ندارد. بیش از پنجاه سال حاکمیت سرکوبگرانه دولت اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین و از طرف دیگر اقدامات و تحرکات گروههای بنیادگرای اسلامی و یهودی با ایدئولوژی و آرمان جداگانه اما اهداف یکسان (مذهبی) آنچنان فضایی از تخاصم و ضدیت را میان مردم اسرائیل و فلسطین ایجاد کرده است که زندگی برابر و آزادانه و به دور از کشتار و جنگ و خونریزی متأسفانه در آن متصور نیست. طرح و راه حل های مختلف برای حل این معضل تاکنون راه به جایی نبرده است.

طرح ملک عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی مبنی بر بازگشت اسرائیل به پشت مرزهای سال ۱۹۶۷ و به رسمیت شناختن این کشور از جانب کشورهای عربی و برقراری رابطه دیپلماتیک و تجاری با آن نیز، سرنوشت بهتری از دیگر طرحهای ارائه شده تا کنونی

نخواهد یافت و جنایتکارانی همچون شارون تحت هر عنوان و بهانه‌ای بازم مردم فلسطین را به خاک و خون می‌کشند.

اکنون که جو صلح طلبی در میان اسرائیلی‌ها از هر زمانی قویتر و رو به افزایش است و صلح و زندگی در آرامش و دور از جنگ و کشتار خواست دائمی و تحقق نیافته مردم فلسطین نیز بوده است، باید خواست تشکیل دولت مستقل فلسطین را به خواست عاجل و فوری هر مبارزه و مذاکره در سرزمینهای اشغالی و در سطح جهانی تبدیل کرد. تنها با تشکیل دولت مستقل فلسطین است که مردم اسرائیل نیز آزادی واقعی خود را باز خواهند یافت و در کشور دموکراتیک آینده اسرائیل همدوش و همگام و متساوی الحقوق با دیگر ملت‌ها و دولت‌های همجوار زندگی توأم با امنیت و احترام و آسایش در پیش خواهند گرفت. در چنین شرایطی شارون و دیگر قاتلان مردم فلسطین و اسرائیل نه بعنوان نخست وزیر و دیگر مقامات حکومتی، بلکه بعنوان جنایتکاران جنگی در دادگاههای عادلانه و مردمی باید محاکمه و حساب پس بدهند

۳-۲-۲۰۰۶



دستگیری شدیدتر بود. نیروهای امنیتی رژیم برای شناسایی افراد از دوربین ویژه و افراد مزدور محلی استفاده کرده‌اند. افراد سرکوبگر رژیم در سطح شهر و بخصوص مناطق یاد شده در تعقیب جوانان بودند. مزدوران پس از دستگیری جوانان آنان را به شدت کتک کاری نموده و مورد اذیت و آزار قرار داده و آنها را بازداشت و روانه زندان نمودند. بنا به همین گزارش دستگیر شدگان تحت شکنجه قرار گرفته تعدادی از آنان به زندان مهاباد اعزام شده‌اند».

سایت حزب کمونیست ایران
www.cpiran.org

سایت کومه‌له

www.komalah.org

سایت رادیو صدای کومه‌له

www.radiokomaleh.com



از سایت‌های
حزب کمونیست ایران و
کومه‌له
بر روی شبکه اینترنت
دیدن کنید!

گزارش در چندین نقطه شهر میان نیروهای رژیم از طرفی و جوانان و مردم شهر از سوی دیگر درگیری و زدو خورد روی داده است. در این درگیریها نیروهای سرکوبگر رژیم شازده تن از جوانان را دستگیر کرده اند که تا رسیده این خبر از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

بنا به همین گزارش روز چهارشنبه هم وضع مشابه روز قبل بر فضای شهر سردشت حاکم بوده و مردم و جوانان بدون توجه به مقررات وضع شده از جانب رژیم دوباره با روشن نمودن آتش و ترقه بازی به جشن و شادی پرداختند. لازم به یادآوری است که (خامنه‌ای) رهبر جمهوری اسلامی چند روز قبل در سخنرانی خود در مشهد از مردم درخواست کرد بعزت همزمانی مراسمهای چهارشنبه سوری و نوروز با روزهای تاسوعا و عاشورا از جشن و شادی

⇒ دفتر نمایندگی طی اطلاعیه خبری دیگری در مورد برگزاری چهارشنبه سوری از سردشت اعلام کرد که: «غروب روز سه شنبه و چهارشنبه با تاریک شدن هوا، فضای شهر سردشت بابرگزاری شادی و آتش بازی جوانان و مردم شهر به کلی عوض شد. روز سه شنبه جوانان شهر با آتش زدن لاستیک و برافروختن آتش در چهار راهها و نقاط بلند و مشرف بر شهر و همچنین کوچه‌ها و با آتش بازی و انفجار ترقه، مراسم چهارشنبه سوری را برگزار و به استقبال نوروز و سال تازه رفتند. شادی و خوشحالی جوانان و مردم با دخالت و ممانعت نیروهای انتظامی و سپاه پاسدارن رویرو شد و خواستند از برگزاری جشن و شادی مردم جلوگیری نمایند. جوانان نیز با آنها به مقابله پرداخته و شعار میدادند: «ما شادی خود را با عزای جمهوری اسلامی عوض نمیکنیم». طبق همین

صنعتی برخوردار نیستند. این گروهها طی روزهای اخیر عملیات انتحاری و خودکشی را در ابعاد وسیعتری در معابر عمومی و محلهای رفت و آمد مردم عادی اسرائیل گسترش دادهاند که تابحال جان دهها تن اسرائیلی بی دفاع را گرفته و بهانهای به دست شارون جنایتکار و دولت دست راستی او دادهاند تا اعمال وحشیانه خود را در مناطق اشغالی فلسطین توجیه نمایند. گروههای مذهبی و بنیادگرای اسلامی و یهودی با جزم اندیشی، تعصبات کور و بی هدف مذهبی، خود و دیگران را در راه امیالی قربانی میکنند که خود ضد انسانی و ارتجاعی است. جنون مذهبی هر دو طرف قربانیان خود را از میان کودکان خردسال، زنان و پیران و مردم



بی دفاع و خسته از جنگ می گیرد که کمترین نفع و سهمی در این جنگ ملی و مذهبی ندارند. گروههای مذهبی و فوندامنتال از هر دو طرف، توان و نیروی خود را نه در شرایط صلح و آرامش، بلکه برعکس، اساساً در جنگ و خونریزی به دست می آورند و به همین خاطر هر دو طرف مصرانه خواهان جنگ و پاکسازی «سرزمین مقدس» از مذهب و ملت مقابل هستند.

وضعیت کنونی و کشتار وحشیانه فلسطینیان و سکوت خفت بار و شرمگینانه حکومتهای «دمکراتیک» توأم با تأیید اسرائیل، حمایت مالی، تسلیحاتی و نظامی و دیپلماتیک آمریکا و انگلستان و ناتو و دیپلماسی و معامله گری رهبران فاسد و دیکتاتور کشورهای عربی با سرنوشت مردم مظلوم فلسطین در دور اخیر، اساساً ناشی از اوضاع و احوال کنونی جهان بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر و

حسن رحمانپناه

راه حل پایان درگیریهای اسرائیل و فلسطین تنها تشکیل دولت مستقل فلسطین است!

لحظه شماری میکنند و به جز دولت خودگردان فلسطین که در حالت انتظار و سرگردانی به سر می برد و همه امید خود را به دیپلماسی و سازش از بالا بدون دخالت تودههای مردم فلسطین گره زده است، گروههای متعصب و بنیادگرای اسلامی قرار دارند که علی رغم اختلاف و تعلق به

ایدئولوژیهای مذهبی مختلف با بنیادگرایان یهودی، اما شیوه و روش و اشکال فعالیت آنها مشابه آنان است. با این تفاوت که آنها از ابزار و امکانات نظامی و تسلیحاتی محدودی برخوردارند، حاکمیت و قدرت سیاسی را در اختیار ندارند و در عرصه جهانی از حمایت و پشتیبانی قدرتهای عظیم مالی و نظامی همچون آمریکا و انگلستان و دیگر کشورهای

روسا و دولتمردان جهان را با خود همراه دارد و در سال ۱۹۹۴ همراه با اسحاق رابین و شیمون پیرس جایزه صلح نوبل را در (اسلو- نروژ) دریافت کرد مدتهاست توسط شارون و دولت او در خانه خود دست به سر و در واقع بازداشت است. البته این طنز تاریخ یا حقوق بشر از نظر آمریکا است که رئیس جمهور کشوری توسط نخست وزیر کشوری دیگر «آزادانه» در خانه اش تحت بازداشت باشد و آن را دمکراسی جار بزنند.

طی این مدت ارتش فاشیست اسرائیل جنگ تمام عیاری را علیه مردم محروم و بی دفاع فلسطین، از هوا و دریا و زمین آغاز کرده که آشکارا از مدرن ترین سلاحهای نظامی علیه غیر نظامیان استفاده و در صحنه تلویزیونها و صفحه روزنامه و مطبوعات برای انظار عمومی نشان داده میشود که از حمایت کور و بی دریغ گروههای بنیادگرا و مذهبی داخل اسرائیل با رهبری نخست وزیر این کشور برخوردار است. در طرف مقابل هم جدا از توده وسیع مردم زجر کشیده فلسطین که در آرزوی روزی آرام و بدون جنگ و خونریزی

طی چند روز اخیر جنگ و زد و خورد میان فلسطینیها و ارتش سرکوبگر اسرائیل شدت بی سابقه ای یافته است. نبردهای دور اخیر البته تازه نیست و سابقه آن حداقل به سپتامبر ۲۰۰۰ یا (انتفاضه دوم) بر میگردد که طبق آمارهای منتشر شده سالانه هزار نفر از طرفین (هشصد فلسطینی و دویست اسرائیلی) جان خود را از دست داده اند. بعد از سر کار آمدن آریل شارون قصاب اردوگاههای (صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲) که در سال ۲۰۰۱ میلادی زمام امور سیاسی در اسرائیل را در دست گرفت، تاکنون روز به روز بر وخامت اوضاع میان اسرائیل و فلسطینیها افزوده شده که تنها طی دو روز گذشته بیش از ۷۵ فلسطینی و ۳۱ اسرائیلی جان خود را از دست داده و صدها تن مجروح شده اند که اکثر آنها را افراد غیرنظامی تشکیل می دهد. دهها باب منزل مسکونی فلسطینیها و مراکز اداری و دولتی حکومت خودگردان فلسطین ویران و با خاک یکسان شده است. یاسر عرفات رئیس اداره خودمختار فلسطین که عنوان (پرزیدنت) را در میان مردم،

آدرسهای حزب کمونیست ایران و کومه له

شماره تلفن و فاکس :
۰۰۴۶ - ۹۳ ۸۴ - ۹۸ - ۹۳

Representation of Komala abroad:

ساعتهای تماس :

برای طرح سوال و دریافت جواب پیامون تا نیدیدها روزهای دوشنبه و جمعه از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا ۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۱۵۴۲ در بقیه موارد روزهای سه شنبه و پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا ۰۰۴۶ - ۹۳ ۸۴ - ۱۸ - ۹۳

Communist party of Iran:

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I.

Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: cpi@cpiran.org

صدای انقلاب ایران

ظهورها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۸ - ۱۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰/۳۰ - ۲۱/۳۰

صبح جمعه ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

کومه له در کردستان

دفتر نمایندگی کومه له در سلیمانیه

Tel . 24760 - 25815

کمیته مرکزی کومه له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@hotmail.com